

رویداد «کودک و شاهنامه» در فرهنگ سرای کودک و آینده مشهد آغاز شد



معاون زیارت و گردشگری سازمان فرهنگی و اجتماعی شهرداری مشهد گفت: به مناسبت گرامیداشت دهه کرامت و با هدف آشنایی کودکان و نوجوانان با فرهنگ و ادب کهن ایرانی، رویداد فرهنگی هنری «کودک و شاهنامه»

از روز ۱۶ اردیبهشت ۱۴۰۴ در فرهنگ سرای کودک و آینده آغازبه‌کار کرده است که به مدت ۲۰ روز ادامه دارد. به گزارش شهرآرانیوز، سید جلیل بامشکی، بیان کرد، رویداد «کودک و شاهنامه» با محوریت شاهنامه خوانی، اجرای تئاتر، آموزش هنرهای خلاقانه و ترویج فرهنگ اصیل ایرانی برای دانش‌آموزان پایه‌های چهارم، پنجم و ششم ابتدایی برنامه‌ریزی شده و به مدت بیست روز ادامه خواهد داشت.

وی افزود، برگزاری این برنامه از شنبه تا چهارشنبه هر هفته، در بازه زمانی ساعت ۹ صبح تا ۱۱:۳۰ پیش‌بینی شده و در روزهای پنجشنبه و جمعه به دلیل تعطیلی مدارس اجرا نخواهد داشت. همچنین هم زمان با ایام دهه کرامت، اجرای این برنامه‌ها در نوبت عصر نیز برای علاقه‌مندان برگزار خواهد شد. معاون زیارت و گردشگری سازمان فرهنگی و اجتماعی شهرداری مشهد اشاره کرد: از مهم‌ترین بخش‌های این رویداد می‌توان به اجرای تئاتر با موضوع داستان‌های شاهنامه در سالن آمفی‌تئاتر این فرهنگ سرا اشاره کرد که به صورت روزانه با حضور گروه‌های نمایشی برگزار می‌شود.

این تئاترها به شیوه‌ای جذاب و کودکانه، مفاهیم اخلاقی، حماسی و فرهنگی شاهنامه را برای نسل نوبه‌تصویر می‌کشند. وی در پایان گفت: در حاشیه این رویداد، ۱۰ غرفه آموزشی و تفریحی با موضوع‌های متنوع شامل آموزش نقاشی، داستان‌نویسی، رنگ آمیزی، بازی و سرگرمی ویژه کودکان دایر شده است. مربیان مجرب و هنرمندان کودک و نوجوان در این غرفه‌ها حضور دارند تا کودکان را در مسیر خلق آثار هنری و تقویت مهارت‌های فردی همراهی کنند.

حمید جبلی برای بچه‌ها سریال می‌سازد



ضبط مجموعه «آقای قصه‌گو» به‌تازگی آغاز شده است. به گزارش ایرنا، مجموعه «آقای قصه‌گو» با روایت و نویسندگی حمید جبلی در حال تولید است. ضبط مجموعه «آقای قصه‌گو» که قرار بود دی ماه سال گذشته به پایان برسد، به تازگی

در لوکیشنی اطراف رباط‌کریم آغاز شده است. در این سریال گونه کودک و نوجوان، شخصیت‌های مختلفی که یکی از آن‌ها «پیر حکیم باشی» است، ایفای نقش می‌کنند. تابستان ۱۴۰۱ بود حمید فرجی، تهیه‌کننده سریال «نون خ» و مدیرسابق شبکه یک، در گفت‌وگویی از نویسندگی برنامه‌ای توسط حمید جبلی برای پلتفرم تلویوبن خبر داد و گفته بود: «فکر می‌کنم به زودی خواهید شنید که آقای حمید جبلی سریالی را نویسندگی و اداره خواهند کرد. امیدوارم که ساخته شود، البته بنا دارد با تلویوبن همکاری داشته باشد. اگر این اتفاق بیفتد، یک سریال در حوزه کودک و نوجوان ساخته خواهد شد.»البته دی ماه همان سال بود که خبر رسید جبلی به دلیل شرایط جامعه، قید تولید این سریال را زده است.

فیلم «دارچین تلخ» راهی اکران آنلاین می‌شود



فیلم «دارچین تلخ» از دو روز دیگر راهی اکران آنلاین می‌شود. به گزارش ایسنا «دارچین تلخ» به تهیه‌کنندگی و کارگردانی نیما هاشمی پس از طی کردن مراحل پس از تولید، آماده نمایش شده است. این فیلم از ساعت ۱۲ چهارشنبه،

۱۰ اردیبهشت ماه، به صورت اختصاصی در پلتفرم تماشاخونه برای عموم به نمایش گذاشته می‌شود. «دارچین تلخ» ماجرابی کمدی از زندگی سعید را روایت می‌کند که تا ازدواج با دختر مورد علاقه‌اش فاصله زیادی ندارد، اما در این فاصله باید چالش‌های زیادی را از سر بگذراند. سیاوش خیرابی و نفیسه روشن بازیگران اصلی این فیلم سینمایی هستند.

آغاز انتشار سریالی بابای صابر ابر و مهدی پاکدل



اولین قسمت از سریال «کنکل» به نویسندگی و کارگردانی رامین لوفی و تهیه‌کنندگی محمد مسعود، پنجشنبه، ۱۱ اردیبهشت ماه، به صورت هفتگی از شبکه نمایش خانگی منتشر می‌شود. «کنکل» یک سریال درام پلیسی پانزده قسمتی است که در خلاصه داستان آن آمده: «زدی مواد اولیه گران‌قیمت در کارخانه تکرار می‌شود، اما برای حفظ آبرو به بیرون کارخانه درز نمی‌کند، تا اینکه سرانجام یای پلیس به ماجرا باز می‌شود. شایعات در اطراف یکی از کارگران شدت می‌گیرد و بازداشت آن کارگر آغازگر ماجراهای دیگری است؛ اتفاقاتی که فراتر از انتظار ماست.» صابر ابر، هانیه توسلی، مهدی پاکدل، پدram شریفی، ستاره پسپانی، بازیگران سریال «کنکل» هستند.



به بهانه بهره‌گیری دراماتیک «پایتخت» از جایگاه حرم مطهر رضوی در گرہ‌گشایی از قصه

محمد عنبرسوز



در روند تغییر و تحولات هنرهای نمایشی و تکامل آنچه مقابل دوربین جریان دارد، استفاده از نمادها‌های دینی و فرهنگی همواره با چالش‌هایی همراه بوده است. در ایران، استفاده از اماکن مقدس، به‌ویژه حرم مطهر امام رضا^ع، به عنوان یک لوکیشن معنوی که می‌تواند کل فضای درام را تحت تأثیر قرار دهد، عموماً کم سابقه یا با احتیاط همراه بوده است؛ زیرا خطر فروکاستن این فضا‌های مقدس به یک لوکیشن روزمره و عادی، وجود داشته است. علاوه بر این، دشواری‌های مربوط به استقرار تیم تولید و فیلم‌برداری در حرم مطهر رضوی هم دیگر عاملی بوده که اغلب باعث شده است تا فیلم‌سازان عطای استفاده از این لوکیشن عظیم و پرمعنا را به لقایش ببخشند؛ امری که به نظر می‌رسد در چند سال گذشته تا حد زیادی مرتفع شده و حالا گروه‌های فیلم‌سازی راحت‌تر می‌توانند مجوز حضور در حرم را دریافت کنند.

در این میان اما، فصل هفتم سریال «پایتخت» به کارگردانی سیروس مقدم، مسیری متفاوت را پیمود. در قسمت پایانی این فصل که هم به لحاظ محتوا و هم از نظر دقایق، در حد و اندازه‌های یک فیلم سینمایی بود، این مجموعه موفق شد حرم مطهر را، نه صرفاً در قامت یک تصویر تزئینی یا یک نشانه نمادین، بلکه به عنوان یک عامل گرہ‌گشایی معنوی و عاطفی در دل روایت، در همان فرم آشنای سریال و بدون افتادن در ورطه شعار، به دقایقی از حافظه نمایشی مردم ایران در سال‌های اخیر تبدیل کند. این فرایند، علاوه بر اینکه نشانه بلوغ زبان روایت دراماتیک است، با بهره‌گیری از یک ابرلوکیشن پرمعنا در فرهنگ ایرانی یعنی حرم مطهر رضوی، الگویی موفق در تحقق سریال‌سازی بومی ارائه می‌دهد.

- گره‌گشایی معنوی در برابر گرہ‌گشایی روایی

در ادبیات کلاسیک درام، هر روایت به گرہ و بحران نیاز دارد و این بحران معمولاً با نوعی کنش یا تحول بیرونی گرہ‌گشایی می‌شود. در فصل هفتم «پایتخت» اما، گرہ‌گشایی از بحران‌هایی که در فیلم نامه ایجاد شده بود، نه با دخالت آشکار دست‌نویسنده و کارگردان برای برون رفت از بن بست، بلکه با تحولی درونی که در فرهنگ حاکم بر آنمسفر قصه ریشه دارد، رخ می‌دهد؛ تحولی که حرم مطهر امام رضا^ع زمینه‌ساز آن است. به بیان ساده، قلب شخصیت‌های این سریال با حضور در

لوکیشن حرم رقیق شد و مخاطب توانست باور کند که فضای معنوی حرم چطور دل‌های این شخصیت‌های باورپذیر را به هم نزدیک کرد. مشخصاً، قلب شخصیت اصلی این قصه وقتی در لوکیشن حرم قرار گرفت، به مسیر بخشش و عطاقت افتاد و در تصویر مهندس‌ی شده‌کلی فیلم‌نامه، این میزان از رفت برای مختصات شخصیتی نقی معمولی، بدون حضور در یک فضای معنوی، نمی‌توانست موج‌ها باشد.

سفر شخصیت‌های سریال به مشهد، در ظاهر می‌تواند یک سفر عادی زیارتی باشد، اما در عمق قصه، این سفر، فرصتی برای بازبینی خود و ترمیم روابط آسیب‌دیده خانوادگی است. کارکرد دراماتیک حرم مطهر در اینجا بسیار هوشمندانه طراحی شده است؛ حرم رضوی، نه فقط فضای دعا و نیایش، بلکه بستری برای پالایش روانی، مواجهه صادقانه با خطاها و البته بازپایی امید است، در حالی که خانواده در این بستر ترمیم و قوام می‌یابد. از این منظر، «پایتخت» الگوی جدیدی از گرہ‌گشایی را معرفی می‌کند؛ گرہ‌گشایی معنوی به جای گرہ‌گشایی روایی صرف.

در این بخش از سریال، فیلم‌ساز می‌توانست عناصر مختلفی را کنار هم بچیند تا مجموعه را دوباره گرد هم آورد؛ چنان‌که در سکانس حمله خرس (با استفاده از یک مؤلفه دراماتیک ناگهانی) رابطه نقی و بهتاش را ترمیم کرد. در پایان بندی اما، اتفاق خاصی رخ نداد و فقط آتمسفر حاکم بر حرم مطهر بود که شخصیت‌ها را صیقِل زد.

- اجتناب از روایت رسمی و خلق تجربه زیسته

یکی از خطرهای رایج در نمایش اماکن مقدس در رسانه‌ها، افتادن در دام روایت‌های رسمی، تاریخ‌محور یا شعاری است. بسیاری از تولیدات پیشین، یا به شرح وقایع تاریخی می‌پرداختند یا از لحن خطابی، شعاری و تخت در روایت استفاده می‌کردند. «پایتخت ۷» اما، نه تنها در این دام نیفتاد، بلکه به خوبی آن را دور زد. زیارت‌امام رضا^ع در این سریال نه در قامت یک مناسک دینی، بلکه به عنوان بخشی طبیعی از تجربه زیسته خانواده‌های ایرانی نمایش داده شد و همین موضوع بود که یک بار دیگر ظرفیت‌های فرهنگی وجود با گرہ امام رضا^ع در ایران را یادآوری کرد. مخاطب در این محیط توانست بیشتر با شخصیت‌ها هم‌ذات‌پنداری کند و زیارت را، به عنوان یک نیاز معنوی و انسانی در فرهنگ بومی ما، پذیرفت. این ظرافت روایی باعث شد که احساسات مذهبی مخاطب، به شکلی طبیعی

و بدون شعار، در دل قصه جاری شود و حرم مطهر از یک «مکان زیارتی صرف»، به یک «محیط معنوی» که بر روایت تأثیر می‌گذارد، ارتقا یابد.

- فرهنگ رضوی: از آیین تا روان‌شناسی

نگاهی دقیق‌تر به فرهنگ رضوی نشان می‌دهد که عنصر امید، شفاعت، کرامت و مهربانی در قلب این فرهنگ جای دارد. امام رضا^ع در ذهن و ضمیر جمعی ایرانیان، بیشتر از آن‌که یک چهره تاریخی یا صرفاً مذهبی باشد، نماد امید، پذیرش و مهربانی است. «پایتخت ۷»، به درستی بر این بُعد روان‌شناختی فرهنگ رضوی تکیه کرد و در بزنگاه‌های بحرانی قصه، سفر به حرم مطهر به معنای بازگشت به این چشمه امید بود. در روان‌شناسی اجتماعی، نیاز به پناهگاه معنوی یکی از اصلی‌ترین نیازهای جوامع در لحظه‌های بحران است که حرم امام رضا^ع، در روایت قسمت پایانی «پایتخت»، این نقش را به شکلی طبیعی و باورپذیر ایفا کرد.

- شکل‌دهی به حافظه فرهنگی معاصر

سریال‌هایی مانند «پایتخت» علاوه بر کارکرد سرگرمی، در شکل‌دهی به حافظه فرهنگی معاصر نقش کلیدی دارند. در یک جامعه در حال تغییر، بازنمایی معنادار اماکن مقدس، می‌تواند به بازتولید ارتباط نسل‌های جدید با میراث معنوی شان کمک کند. «پایتخت» نشان داد که چگونه می‌توان، بدون تحمیل کردن محتوایه مخاطب، پیوندی مستحکم میان نسل جوان و معنویت برقرار کرد. زیارت در این سریال، یک تجربه شاد، صمیمی و درعین حال عقلانی بود؛ تجربه‌ای که می‌تواند الگویی برای روایت‌های بعدی از فرهنگ دینی در رسانه‌های تصویری ایران باشد.

- الگویی برای آینده روایت دینی

تجربه سریال «پایتخت» در بهره‌گیری دراماتیک از جایگاه حرم مطهر امام رضا^ع، الگویی ارزشمند و آینده‌نگرانه برای روایت‌های دینی در فضای رسانه‌ای ایران به دست داده است. این الگو بر چند محور اصلی استوار است. نخستین محور، پرهیز از روایت‌های خشک و تاریخ‌محور است. «پایتخت» به جای آنکه در حرم مطهر به شرح رویداد‌های تاریخی یا القای اطلاعات کلیشه‌ای بپردازد، از ظرفیت این مکان مقدس برای پیشبرد درام بهره‌گرفت و موفق شد حرم را به مثابه بستری زنده و فعال برای تحول شخصیت‌ها

گزارشی از نمایشگاه تصویرگری «آوای تصویر و روایت» در نگارخانه اشراق

تصویرگری کتاب با سرانه مطالعه ارتباط تنگاتنگ دارد

را تحلیل می‌کنند.

- اهمیت رابطه تصویرگر با نویسنده**

سریهٔ ازمین که با انوری مربوط به گروه سنی «ب» و «ج» در این نمایشگاه حضور داشت، درباره آن توضیح داد، کار من «رخشانک» نام دارد و جریان دو گرم است که، در تلاش برای رسیدن به هدف خود هستند و «رخشانک» مانند یک ولی آن‌ها راه‌نمایی می‌کند. این کار و اینکه چگونه می‌خواهم کرم‌ها را طراحی کنم، در ابتدا برایم چالش برانگیز بود، بدین منظور به طبیعت رفتم و از لحاظ بصری نمونه‌های مختلف را دیدم. کار من دیجیتال است و با قلم نوری آن را انجام داده‌ام، اما نمایان داشتم دستی به نظر بیاید و زیاد فرم مصنوعی نداشته باشد. وی بر این باور است که اکنون تصویرگران خوبی در مشهد فعالیت دارند و ارتباط آن‌ها در حال پررنگ شدن است. همچنین رابطه تصویرگر با نویسنده بسیار مهم بوده، تا زبان یکدیگر را بفهمند و خروجی خوبی ارائه دهند. این هنرمند در پایان بیان کرد، داستان‌های زیادی در حوزه کودک چاپ شده، که همه ترجمه آثار خارجی هستند و نوعی خلأ در این حوزه وجود دارد که باید پر شود.

- تصویرسازی و استعداد‌های کشف نشده**

زکبه مصطفوی درباره کتابی که تصویرگری کرده است، توضیح داد، این کار مربوط به چند چتر است و با توجه به موضوع داستان با چالش‌هایی مواجه می‌شوند، که سعی می‌کنند با کمک یکدیگر آن‌ها را برطرف کنند تا به شرایط ایدئال خود برسند. این هنرمند با اشاره به استعداد‌های زیادی که در حوزه تصویرگری وجود دارند، اما هنوز کشف نشده‌اند، گفت، من به هنر تصویرگری علاقه مند بودم، اما به صورت اتفاقی وارد آن شدم، به

ریحانه موسوی

نمایشگاه تصویرسازی «آوای تصویر و روایت، مجموعه‌ای از آثار هنرمندان تصویرسازی در مجموعه فرهنگی هنری «ریحانه» این روزها در

نگارخانه اشراق حوزه هنری برپاست. در این نمایشگاه آثاری از هنرمندان و هنرجویان زیر نظر سعیده نصرتی فر، مدرس رشته تصویرگری، به نمایش درآمده و شامل تصویرگری کتاب‌های حوزه کودک بوده، که دو نمونه آن منتشر شده و چند مورد آن در نوبت انتشار است. تکنیک این آثار آبرنگ، میکس مدیا، دیجیتال و اکریل است. که برخی از آن‌ها دورنگ و برخی دیگر چهار رنگ کار شده است.

- فعالیت حرفه‌ای در کنار آموزش تصویرگری**

سعیده نصرتی فر، کارشناس ارشد رشته نقاشی و مدرس تصویرگری، این نمایشگاه را حاصل دوره آموزشی هنرجویان رشته تصویرگری بیان کرد و گفت: این کار پروژه محور است، هنرجویان گروه ما دقیقاً مثل یک مسیر حرفه‌ای که به هنرمندان سفارش داده می‌شود، فعالیت خود را در کنار آموزش شروع کردند. تکنیک آثار بر اساس محتوا و مخاطبی که دارند و در کنار آن میزان مهارت هنرجویان در این مقطع است. این سه عامل تکنیک، مهارت و محتوا باعث شد که ما تنوع آثار داشته باشیم.

این هنرمند استقبال از نمایشگاه را ضعیف‌تر از حد تصور توصیف کرد و گفت: این موضوع بسیار برای نگارخانه داران اهمیت داشت، که باید حالت آبر تر فریم‌ها قالب باشد و مواردی که برای جذب مخاطب جذاب‌لازم است، در ساختار نگارخانه‌گردی و تعریف نگارخانه برایشان پررنگ بود.

نصرتی فر، با اشاره به وجود دانشگاه‌های هنر و مطرح بودن این رشته، بیان کرد، به دلیل نگاه